

این موج عظیم مبارزاتی نباید به دستمایه تسویه حسابهای جناحی تبدیل شود

فرهاد شعبانی

چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۸

اولین تصاویر تظاهرات عظیم مردم تهران از میدان انقلاب به آزادی را برنامه زنده "نوبت شما" از تلویزیون بی بی سی در ساعت ۵ و ۱۸ دقیقه بعد از ظهر امروز دوشنبه ۱۵ ژوئن به وقت اروپا به تصویر کشید. جمعیت عظیمی بود. خیابانهای مسیر از جمعیت موج می زد. نیروی انتظامی و گارد ویژه، بسیج و لباس شخصی هائی که طی چند روز گذشته بسیار وحشیانه و در نهایت بیرحمی به صفوف متحد مردم در کوچه و خیابان و دانشگاه و میادین شهر ها یورش برده بودند، با مشاهده این موج پایان ناپذیر مردمی ابتدا مات و میخکوب نظاره گر این سیل خروشان صدها هزار نفری و به اصلاح غیر قانونی بشدند؛ اما در لحظات پایانی بالاخره آن را به خون کشیدند بطوریکه آمار دقیقی از کشته و زخمی های این حادثه در دست نیست. حمله به این حرکت برخلاف دعوت فراخوان دهندگانش به لغو و آرامش در آن صورت گرفت.

حرکت تهران تنها گردباد کوچکی از طوفان عظیمی است که در سرتاسر ایران علیه حاکمیت اسلامی به جریان افتاده است. سؤال اینجاست؟ آیا باید این انرژی و پتانسیل آزاد شده در جویبارهای اصلاح طلبان جاری شود یا باید بنیادهای این رژیم را با اصلاح طلب و بنیادگرا از بیخ و بن درآورد؟ بدون تردید این حرکت باید به آن سرانجامی بیانجامد که ۳۰ سال آرزگار است مردم ایران آرزویش را در دلهایشان می پروراندند.

مهار کردن این حرکت در چارچوب نظام مبتی بر ولایت فقیه و قانون اساسی بزرگترین ضربه به فرصتی است که مردم ستمدیده ایران بدست آورده اند تا کل این حاکمیت را به زیر بکشند.

سوار شدگان بر این موج مردمی شعارهای رادیکال مردم را شعارهای انحرافی می شمارند و در صدند که جلو سر دادن آن را بگیرند. کسانی که در چند روز گذشته و در حالیکه دانشجویان و جوانان مبارز در دانشگاهها و در جنگ و گریزهای خیابانی در مبارزه رودرو با نیروهای گارد ویژه و لباس شخصی ها خودجوش علیه ولایت فقیه و حاکمیت اسلامی شعار می دادند و هزینه می پرداختند به دیدار ولی فقیه رفته بودند تا نغمه کنار آمدن را را سر دهند شایسته رهبری این مبارزه نیستند و نباید سکان این حرکت مردمی که کل حاکمیت را نشانه رفته است را بدست بگیرند.

گرچه بهانه و بستر این اعتراضات نمایش بنام انتخابات ریاست جمهوری است اما تداوم مبارزه ائی است که کارگران و زحمتکشان ایران، جوانان، زنان و دانشجویان سالهاست آن را آغاز و هزینه های زیادی را برای به اینجا رساندنش پرداخت کرده اند. برای مردم کارگر و زحمتکش، جوانان، دانشجویان و زنان هیچ فرصتی بهتر و مناسبتر از این بدست نخواهد آمد تا این نظام را به زیر بکشند. اگر این فرصت از دست برود، شانس تکرار شدنش مشمول مرور زمان و مستلزم هزینه های بالاتری است. جا دارد که نیروهای چپ و سوسیالیست و فعالین جنبش کارگری در این اعتراضات شرکت کرده، خواسته ها و مطالبات فروخورده کارگران، جوانان و زنان ستمدیده را بصورت شفاف و روشن فرموله و مطرح کنند. به مجاری قانونی انداختن شکایت موسوی به کودتای انتخاباتی سپاه پاسداران و ولایت فقیه و حتی برگزاری مجدد انتخابات خواستی نیست که کارگران و زحمتکشان ایران و زنان ستمدیده برای تحقق آن هزینه های گزافی پرداخت کرده اند.

"خمینی بیدار شو موسوی تنهاست" شعار مردم فرودست جامعه ما نیست. مظلوم نمائی میرحسین موسوی نباید دست مایه ائی برای سوار شدن بر موج مبارزه ائی بشود که توده های مردم به تنگ آمده خود جوش به آن دست زده اند. این بحران، را بناید بحران مشروعیت جناح اصولگرا تلقی کرد، بلکه بحران مشروعیت کل نظام اسلامی حاکم بر ایران است. خواسته ها و مطالبات کارگران، ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و دیگر مطالبات کارگران و زنان باید محور شعارهای این حرکتها باشد. جزء این اگر شود دستاوردهای مبارزه توده بحرکت در آمده مردم یکبار دیگر و در روز روشن به یغما می رود. امیدوارم هرگز چنین نشود. فرهاد شعبانی